

ظفر نامه

در میان کتابهای فارسی بعضی از کتابهاست که يك نام دارند و این اشتراك در نام موجب اشتباه و اشكال بسیار میشود. یکی از این نامهای مشترك «ظفر نامه» است برای یازده کتاب مختلف.

۱. ظفر نامه ابن سینا

کهن ترین کتابی که به «ظفر نامه» موسوم است رساله ایست کوتاه و پند آموز مشتمل بر پرسشهای انوشیروان و پاسخهای بزرگمهر که در دوره سامانیان از زبان پهلوی بفارسی ترجمه شده است. ترجمه این رساله را بابن سینا (۳۸۰ - ۴۲۸) نسبت داده اند. حاجی خلیفه در این باره مینویسد: «اسم اسئله انوشیروان ثم امر نوح بن منصور السامانی وزیر ابن سینا بنقله الی الفارسیه فنقله.» (۱)

اما ابهام و دشواری اینست که اگر مترجم ظفر نامه ابن سیناست، چنانکه قول مشهور همین است، پس چرا حاجی خلیفه ازو بعنوان وزیر نوح سامانی نام میبرد و اگر مترجم این رساله وزیر نوح بوده است پس انتساب این ترجمه بابن سینا سهو و نادراست است. (۲) چون میدانیم که درصحت انتساب اغلب از رسالاتی که بابن سینا نسبت میدهند جای تردید و گفتگوست نسبت به ظفر نامه نیز همین شك و تردید را میتوان داشت. با مقایسه و سنجش آثار فارسی ابن سینا با ظفر نامه دلیل و اماره دیگری حاصل می آید که ما را در عقیده مزبور راسخ تر میسازد مگر اینکه گمان بریم که در نشر قدیم ظفر نامه کاتبان بعدی دست برده اند و آن را بشیوه نویسنده کی زمان خود در آورده اند. اینک چند سطر از نشر دانشنامه علائی و چند سطر از رساله کوچک رگ شناسی که هر دو از آثار ابن سیناست با چند سطر از ظفر نامه برای مقایسه نقل میکنیم:

۱ - کشف الظنون، چاپ اسلامبول، ۱۹۴۳، ص ۱۱۲۰.

۲ - ابن سینا بسبب آنکه نوح بن منصور را از بیماری سخت درمان کرد مورد احترام و محبت نوح واقع شد و به همین سبب توانست بکتابخانه آن پادشاه دست بیابد. نکته دیگری که صحت انتساب ترجمه این رساله را بابن سینا ضعیف می کند اینست که چون رساله مذکور از زبان پهلوی بفارسی درآمده پس باید ابن سینا زبان پهلوی هم بداند و این نکته را هیچکس در سرگذشت شیخ ننوشته است.

« و همچنانکه آهنگر هوار را بکشادن دم و گسترانیدنش باندرون دم کشد و به بسته کردن و فراز هم آوردن بیرون کنش، دل و شریانها بحرکت گستریدن که انبساط خوانند هوا را اندرون کشد و هواء خنکی از بیرون، و بخار غذای روح از اندرون بروح رساند. » (رسالهٔ رک‌شناسی)

« مردمانیکه ایشانرا دیدار باریک نیست پندارند که لفظ هستی برین ده چیز باشتراك اسم افتد، چنانکه هرده چیز را يك نام بود و معنی آن نام یکی نبود و این نه درست است، زیرا که اگر چنین بودی، گفتار ماجوهر را که هست آن بودی که جوهرست... الخ » (دانشنامهٔ علائی)

« بوذرجهر يك سال مهلت خواست و این چند کلمات را جمع کرد و ظفرنامه نام نهاد و نزد انوشیروان برد و او را خوش آمد و شهری در اقطاع او بیفزود و فرمود که این کلمات به آب زر نوشتند و دائم باخود میداشت و اکثر اوقات بمطالعهٔ این کتاب مواظبت مینمود. » (ظفرنامه) (۱)

اکنون ظفرنامه را اکثراً از آثار ابن سینا میدانند. قنوانی کشیش مسیحی هم در کتاب «مؤلفات ابن سینا» از ظفرنامه نام میبرد و بنسخ متعدد آن که در کتابخانه‌های بنگال، بودلیانا، موزه بریتانیا، ویندو دیوان هند موجود است اشاره میکند. (۲)

ظفرنامه را یکبار شارل شفر (Ch. Schefer) از زوی نسخهٔ بازمانده از سدهٔ نهم در جلد نخست از مجموعهٔ «منتخبات فارسی» بچاپ رسانید. وی مینویسد که بخشی از آن رایش از اومیرزا محمود مؤلف تأدیب الاطفال (چاپ طهران ۱۲۹۳ هجری) در پایان کتاب خود آورده است. یکبار هم در کتاب نمونه نثر پارسی گرد آوری آقای دکتر مهدی بیانی چاپ شده است. (۳)

ترجمهٔ ترکی ظفرنامه هم در دست میباشد که در هنگام پادشاهی بایزید (پادشاه

۱ - این قسمت از نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ دانشگاه (کتاب اهدائی آقای مشکوة) نقل شد. برای اطلاع از این نسخه به فهرست کتابخانهٔ دانشگاه تألیف آقای محمد تقی دانش یزوه رجوع شود.

۲ - نگاه کنید به مؤلفات ابن سینا تألیف جورج شحاته قنوانی طبع قاهره ۱۹۵۱ م ص ۲۲۳

۳ - قنوانی هم در مؤلفات ابن سینا از نسخه‌ای از ظفرنامه که «رسالة البظفریه» نام داشته یاد کرده است.

عثمانی) و برای او ترجمه شده است و نام «مظفرنامه» بآن داده‌اند. (۱)
 مظفرنامه دیگری هم به بزرگمهر وزیر نسبت داده‌اند و آن گفتگوی ارسطو
 و بزرگمهر می‌باشد. همین رساله توسط Bālu Nārasinba Datta از فارسی بانگلیسی
 ترجمه شده است. (۲)

۲ - مظفرنامه حمدالله مستوفی

تاریخ منظومی است که نویسنده نامدار قرن هشتم (متوفی در ۸۵۰ هجری)
 آنرا در هفتاد و پنج هزار بیت شعر فراهم آورده. درین مظفرنامه سخن از تاریخ ایران
 در میان است، از زمان فتح ایران بدست عرب تا عصر مؤلف و چنین آغاز میشود:

بنام خدائی که هست و یکی است جز او در دو کیتی خداوند نیست

«مظفرنامه» کن نام این نامه را بدین تازه کن رسم شهنامه را
 یکتا نسخه کامل این کتاب در موزه بریتانیا موجود است.

۳ - مظفرنامه نظام‌الدین شامی

کتابی است در تاریخ فتوحات امیر تیمور که نظام‌الدین شامی بفرمان آن پادشاه
 از سال ۸۰۴ به نگارش آن پرداخت. مظفرنامه شامی باهتمام فلیکس تاور (Felix Taver)
 در جزو انتشارات مؤسسه شرقیه چکوسلواکی در بیروت بسال ۱۹۳۷، و ذیل آن که
 رساله مختصری است در تهران طبع شده است.

۴ - مظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی

شرف‌الدین علی یزدی (متوفی در ۸۵۸) تاریخی در سرگذشت پادشاهی امیر
 تیمور بنام «مظفرنامه تیموری» فراهم آورد. با اینکه شرف‌الدین علی در نوشتن این
 کتاب متأثر از شامی هست ولی کتابش از کتاب وی نامدارترست. این کتاب در دو جلد

۱ - آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشمند دانشگاه تهران نیز در صدد طبع این کتاب هستند
 که در جزو انتشارات انجمن آثار ملی بچاپ خواهد رسید.

۲ - نگاه کنید به - A Catalogue of the Persian Printed Books in the British Museum, by Edward Edwards, London, 1922.

البته گفتگوی میان ارسطو و بوذرجمهر صورت غیر واقع دارد و همین جهت ادوارد نیز باین
 نکته با تعجب می‌نگرد. برای این نکته نگاه کنید به - A Supplementary Hand - List
 of the Muhammadan Manuscripts, Cambridge, 1922, p. 139.

با تصحیحات مولوی محمد هداد در کلکته بسال ۱۸۸۷ میلادی چاپ شده است. (۱)
۵ - ظفرنامه هاتقی

هاتقی شاعر (در گذشته بسال ۹۲۷) از مردم جام با استفاده از ظفرنامه شرف الدین علی یزدی منظومه ای در سرگذشت زندگانی تیمور پرداخت. نام این منظومه باختلاف « تمرنامه » و « ظفرنامه » آمده است. هاتقی خود از آن به ظفرنامه نام میبرد :
 چو دیدم در آن قصه پر فروغ « ظفرنامه » ای ساختم بی دروغ
 هاتقی باقتباس از نظامی خمسه ای دارد و ظفرنامه را در برابر اسکندرنامه نظامی سروده است : (۲)

۶ - ظفرنامه قدسی (شاه جهانی)

حاجی محمدجان قدسی مشهدی که از نیمه سده یازدهم هجری تا سال ۱۰۵۶ میزیست منظومه ای بنام ظفرنامه در چگونگی سرگذشت شاه جهان پادشاه مغولی هند سرود که نسخه هایی از آن اکنون بدست است. نظم ظفرنامه شاه جهانی را برخی به کلیم کاشانی (متوفی در ۱۰۶۱) ملك الشعراى دربار شاه جهان نسبت میدهند. اما آنچه مسلم است آنکه قدسی ظفرنامه را بیابان نرسانید. پس از او کلیم کاشانی دنباله کار او را گرفت و ظفرنامه را بانجام رسانید. (۳) این کتاب بنام « پادشاه نامه » هم یاد شده است. (۴)

ظفرنامه عالمگیری

منظومه ایست که در آن از چگونگی پنج سال نخست پادشاهی اورنگ زیب (متوفی در ۱۱۱۸) سخن میرود. نسخه هایی از این منظومه در کمبریج و موزه بریتانیا موجود است (۵).

۱ - از ظفرنامه نسخه های زیبا و نفیس بسیارست. برای اطلاع بر احوال شرف الدین علی یزدی نگاه کنید به مقاله آقای علی اصغر حکمت استاد دانشمند دانشگاه در دوره سوم مجله آینه .

۲ - ظفرنامه هاتقی - بهمین نام - در سال ۱۸۶۹ میلادی در لکهنو بچاپ رسیده .

۳ - نگاه کنید به فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه بهار (جلد اول) و همچنین به فهرست بنگال (جلد اول) و تذکره میخانه چاپ لاهور ۱۹۲۶ .

۴ - رجوع شود به فهرست ریو - در تذکره میخانه تألیف ملا عبدالنبی قزوینی اطلاعات مفیدی در شرح زندگی قدسی یافت میشود (چاپ لاهور، ۱۹۲۶ - تصحیح محمد شفیع) .

• Hand List of Muhammadan Manuscripts by E. Brownie, Cambridge, 1900.

۸. ظفر نامه کابل

از غلام محی الدین، که در آن از وقایع کابل و فتوحات و جنگهای احمد شامدرانی سخن رفته است و سال ۱۲۶۰ تاریخ نظم آن است. (۱).

۹. ظفر نامه رنجیت سنگه

در شرح زندگی رنجیت سنگه Ranjit Singh که بوسیله دانشگاه پنجاب بسال ۱۹۲۷ چاپ شده است. این کتاب بشرح مندرج در فهرست کتب چاپی فارسی موزه بریتانیا رنجیت نامه نام دارد و در لاهور هم بسال ۱۸۷۶ طبع شده است.

۱۰. ظفر نامه بهر تپور

تاریخی است منظوم در وقایع بهر تپور، از سرزمین هند، که بمناسبت فتح آنجا بدست لردلیک (Lord Lake) با این بیت آغاز میشود:

کنم یاد آن داور داوران کز و گشت پیدا زمین و رمان

سراینده این منظومه مولوی فضل اعظم نام دارد. کتاب مزبور به نشر هم در آمده است.

۱۱. ظفر نامه گویند سنگه

اشعاری در فتوحات گویند سنگه Göbind Singh که بسال ۱۸۷۱ در لاهور طبع شده است.

۱۲. ظفر نامه ناصری

کتابی باین نام هست، اما نام مؤلف و چگونگی آن را نمیدانم و بعداً خواهم نوشت.

